

مقاله علمی

سنگ‌نیشته میدان چوگان خلیل آباد، سندی از شاه‌بازی‌های

عصر صفوی

عطا حسن پور^۱، حیات‌اله سرلک^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۹، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶)

چکیده

در میان یکی از قبرستان‌های قدیمی شهرستان الیگودرز، چهار قطعه میل سنگی استوانه‌ای با کله قارچی شکل به عنوان سنگ ایستاده قبور وجود داشت که در سال ۱۳۸۹ در معرض توجه سودجویان آثار تاریخی قرار گرفت. به طوری که پس از نیش و تخریب یکی از قبور که مربوط به دهه ۶۰ ش. بود، یکی از سنگ‌ها را با هدف سودجویی از وسط شکستند و دو سنگ دیگر را واژگون کردند و فقط یک سنگ میل در مجموعه باقی ماند که آن هم دارای نوشته‌ای به خط فارسی شامل چهار مصرع شعر و تاریخی برابر با ۱۱۱۶ ه.ق. بود. ده سال بعد یعنی در بهار سال ۱۳۹۹ از سوی انجمن‌های حامی میراث فرهنگی اخباری مبنی بر قصد تخریب چهارمین سنگ میل به میراث فرهنگی لرستان ارسال شد که این بار کارشناسان میراث فرهنگی پس از مستندسازی آن در محل، با دریافت حکم قضایی و همراهی نیروی انتظامی و یگان حفاظت، سنگ میل کتیبه‌دار را به موزه مردم‌شناسی الیگودرز منتقل کردند. پژوهش حاضر با روش اکتشافی و رویکرد ترکیبی کمی و کیفی انجام شده و تحلیل به صورت توصیفی-مقایسه‌ای بوده است. با انجام تحقیقات میدانی باستان‌شناسی، مطالعات میان‌رشته‌ای مردم‌شناسی و بر اساس مدارک معماری و مطالعه اسناد و متون تاریخی مشخص شد که میل‌های سنگی کشف‌شده مربوط به دروازه‌های میدان چوگانی است که در دوره صفویه توسط خلیل خان حاکم لر بختیاری و نوه‌اش یحیی‌خان به همراه عمارتی اعیانی و شهری به نام خلیل‌آباد ساخته شده است. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که پس از تخریب شهر خلیل‌آباد، عمارت و میدان چوگان، هر چهار میل سنگی به قبرستانی در آن نزدیکی منتقل و به عنوان نشان یا سنگ ایستاده، بر روی قبر ۴ نفر از بزرگان و کلدایان قرار داده شدند. سنگ‌نیشته میل دروازه چوگان الیگودرز نخستین نمونه کشف‌شده در ایران به شمار رفته و از این منظر دریچه نوینی به مطالعات چوگان‌پژوهی باز کرده است.

کلیدواژه‌ها: خلیل‌آباد، میدان چوگان، سنگ‌نیشته، خلیل‌خان، یحیی‌خان، دوره صفوی

۱ دکتری باستان‌شناسی، اداره کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی لرستان (نویسنده مسئول)،
atahasanpur@gmail.com

۲ دکتری سازه‌های آبی، کارشناس شرکت آب منطقه‌ای لرستان

مقدمه

چوگان را بازی شاهان گفته‌اند و میدانی برای تفریح و تفنن شاهانه، در عین حال نمایش عرض اندام و به رخ کشیدن قابلیت‌های فردی و رزمی افسران و رزم‌آوران و خوانین محلی. چوگان نه بازی، بلکه مشق نظام بوده که در قالب مسابقه یا تفریح اجرا می‌شد. میدان چوگان آزمون رزم مردان و عرصه‌ای برای شناسایی اسبان جنگی، هم‌رزم دیرین انسان در رزمگاه‌ها و آوردگاه‌های نبرد بود. شور و هیجان در ربودن گوی میدان، جرأت و جسارت در گوی زدن، نفوذ در دل رقیب و مهارت در سوارکاری، بیشتر تمرینی برای هماهنگی بین اسب و انسان و آماده نگه داشتن آنها برای میداین جنگ بود. اگرچه در منابع تاریخی متعدد از چوگان و چوگان‌بازی در ایران سخن‌ها به میان رفته، اما از عناصر غیرمنقول این بازی که شامل میدان و میل‌دروازه‌های آن می‌شود، فقط یک مکان و آن هم میدان نقش جهان اصفهان بر جای مانده است. از سایر میداین قدیم در ایران مانند تبریز، قزوین و عناصر وابسته به آنها فقط ذکری بر جای مانده است. در منابع تاریخی معتبر نام چندین میدان چوگان در محدوده زاگرس میانی مشاهده می‌شود. از جمله میدان چوگان بُنه‌وار لالی و سردشت که محل میدان چوگان در هر دو مکان مشخص است، اما اثری از میل‌دروازه‌ها نیست. تا اینکه سرنخی از وجود میل‌دروازه‌های سنگی در قبرستان خلیل‌آباد الیگودرز به دست آمد و بررسی‌های دقیق‌تر میدانی، منجر به کشف سنگ‌نبشته‌ای بر روی یکی از میل‌دروازه‌ها شد که در نوع خود به عنوان نخستین سنگ‌نبشته دروازه چوگان در ایران حائز اهمیت فراوان است.

پس از انتقال سنگ میل مذکور به موزه الیگودرز، مطالعات علمی درباره آن آغاز شد. ابتدا از نگاه مردم‌شناسی منطقه مورد بررسی قرار گرفت و سپس بررسی میدانی با هدف یافتن بقایای عمارت خوانین محلی و عناصر به جای مانده از میدان چوگان آنها انجام شد. جستجوی نام یحیی بن یوسف که نامش بر روی سنگ‌نبشه به همراه تاریخ ۱۱۱۶ قید شده بود، نگارندگان را به سمت مطالعه تاریخ بختیاری در عصر صفوی هدایت کرد. در تاریخ بختیاری از شخصی به نام خلیل‌خان به کرات یاد شده که گویا خود، اجداد و نوادگانش یوسف‌خان و یحیی‌خان از حاکمان متنفذ بختیاری بوده‌اند و سال‌ها در این میدان به چوگان‌بازی پرداخته‌اند.

پیشینه پژوهش

بیان پیشینه پژوهش درباره چوگان به دلیل تعدد منابع و پژوهش‌های مفصل از جمله یحیی خان (۱۳۱۴)، بهروز (۱۳۴۶)، دبیر سیاچی (۱۳۸۱)، ابراهیمی‌نژاد (۱۳۸۵ و ۱۳۹۷)، آذرنوش (۱۳۹۲) و ... در این مقال نمی‌گنجد. اما در استان لرستان نخستین بار علیرضا فرزین از وجود میل‌های سنگی دروازه چوگان در روستای خلیل‌آباد الیگودرز سخن می‌گوید. وی در بررسی‌های میدانی با موضوع مردم‌نگاری از این آثار با نام «برد گو»^۱ یاد کرده و آنها را نشانه‌ای بر گور افراد دلیر و صاحب‌نام دانسته است. این هنرمند عکاس با انتشار تصویری از میل‌های سنگی دروازه چوگان در کتاب گورنگاره‌های لرستان، آنها را منحصر به این قبرستان دانسته و در پژوهش‌های مردم‌نگاری خود برای نخستین بار از میدان چوگان خلیل‌خان یاد کرده است (فرزین، ۱۳۸۴: ۹۶). همان‌طور که علیرضا فرزین نیز بیان کرده، نمونه این سنگ‌ها در نقاط دیگر لرستان مشاهده نشده است.

واژه‌شناسی چوگان

واژه‌های مختلفی برای نامگذاری چوگان (چوب این ورزش) در زبان‌ها و گویش‌های مختلف ایرانی مورد استفاده قرار گرفته است. از قبیل بازی چوب، چوق، چو، چوله، چلک و پل. در زبان پهلوی چوگان «چوبگان» بوده و در عربی چوگان را «صولجان» می‌گویند که معرب شده لهجه‌های مرکزی و غربی فلات ایران بوده است. پل در لهجه‌های جنوبی ایران پلو گفته می‌شود و ارتباط معنی pole و pale در لاتین و انگلیسی با معنی پل و پلو (چوب چوگان) در فارسی جالب توجه است (بهروز، ۱۳۴۶: ۶۶).

چوگان چوبی است که با آن گوی را می‌زنند. ریشه این کلمه در متن‌های کهن پهلوی آمده و ارتباط آن را با سایر شکل‌های نام این ورزش روشن می‌کند. اولین بار هرن آلمانی کلمه چوگان را برگرفته از شکل پهلوی copagan/cwpgn و احتمالاً هم‌ریشه با کلمه چوب دانسته و مکنزی این کلمه را با اندکی تردید در متن‌های پهلوی به صورت caw,la,gan آورده است. پالیارو نیز موضوع را در دو متن کارنامه خسرو وریدک بازنویسی و ترجمه کرده و همه جا چوگان پهلوی را به صورت coppakan آوانویسی کرده است (به نقل از آذرنوش، ۱۳۹۲: ۱۴).

چوگان با انتقال خود به سرزمین‌های دیگر نام خود را به همراه برده است و بیزانس اولین سرزمینی است که در قرن ۱۶م. چوگان به آن وارد شده و نامش به یونانی تزوکانیون tzykanion شد که شکل یونانی چوگان ساسانی است (همان، ۱۵).

پیشینه چوگان در ایران

بر اساس یادداشت‌های هرودوت، پیشینه بازی چوگان در ایران به دوران هخامنشی باز می‌گردد و بر این اساس حدود ۲۵۰۰ سال در این سرزمین ریشه دارد (هردوت، ۱۳۷۰: ۲۱۹). در تاریخ طبری نیز از چوگان‌بازی در دوره هخامنشی صحبت شده است (طبری، ۱۳۷۹: ۸۲-۸۳). در متون به‌جای‌مانده از دوره اشکانی و ساسانی همچون کارنامه اردشیر بابکان، به بازی چوگان در قلمرو شاهان اشارات فراوانی دیده می‌شود (فره‌وشی، ۱۳۸۶: ۱۵). وجود تنگ چوگان در بیشاپور فارس از دوره ساسانی، گواهی روشن از حضور بازی چوگان در طول دوران تاریخی ایران است. همچنین در متون و کتب تاریخی دوران اسلامی از جمله شاهنامه فردوسی، تاریخ بیهقی، مقالات و رساله‌های متعددی به قلم عبدالله بن فضل‌الله شیرازی، عارفی هروی، طالب جاجرمی و لامعی برسوی از دوره‌های مختلف اسلامی با موضوع گوی و چوگان دیده می‌شود و در سفرنامه‌های شاردن، دلاواله، برادران شرلی و تاورنیه در عصر صفوی هم اشارات فراوانی به بازی چوگان شده است (بابایی، ۱۳۹۴: ۵). در مورد اهمیت و جایگاه چوگان در تاریخ ایران همین بس که نام روز نوزدهم هر ماه خورشیدی در تقویم شهریار باستانی که رصدخانه آن در عصر حکیم عمر خیام تجدید شده، به عنوان روز گوی‌باز ثبت شده است. ظاهراً روز نوزدهم هر ماه مخصوص چوگان‌بازی بوده است (ابراهیم‌پور، ۱۳۵۳: ۱۱).

اسکندر بیگ ترکمان در «عالم آرای عباسی» در سال ۱۰۰۳ هجری قمری درباره عمارت جهان‌نما نوشته است: «مجملاً اطراف میدان سعادت‌آباد قزوین از صفای آذین‌بندی و کثرت شمع و چراغ رشک سپهر برین گشته، حضرت اعلی چند شبانه‌روز در آن مکان طرب‌انگیز و عمارت جهان‌نما، که در جانب شرقی و غربی میدان، احداث کرده شهریار جهان است به سر برده و اوقات شریف به عیش و شادکامی و چوگان‌بازی و بقنادازی می‌گذرانید...» (ترکمان، ۱۳۳۴: ۵۰۰). پیترودلاواله ایتالیایی در سفرنامه‌اش در قرن ۱۱م.

درباره میدان نقش جهان اصفهان^۱ نوشته است: «علت بزرگی این میدان وجود زمین چوگان در آن است و دروازه‌های این بازی نیز یکی در بالا و دیگری در پایین میدان استوار شده‌اند. طاق نماهای قدیمی و بلند هستند، ولی دو قصر کوچک سلطنتی با ایوان‌های متعدد یکی در این طرف و یکی در آن طرف میدان ساخته شده تا در موقع تماشای چوگان‌بازی از آنها استفاده شود» (دلاواله، ۱۳۴۸: ۲۹۱).

همچنین اسناد تاریخی از وجود یک میدان چوگان از دوره حکومت علی‌مردان‌خان (والی لرستان) همزمان با عصر صفویه در منطقه معروف به خُلد برین در شمال شرق شهر خرم‌آباد حکایت دارند (والی‌زاده معجزی، ۱۳۸۹: ۳۱۶).

چوگان، بازی شاهان: در اینکه چوگان، یک بازی مختص شاهان و حاکمان محلی بوده، تقریباً جای هیچ شکی نیست، زیرا تهیه بستر مناسب و ادوات این بازی از عهده افراد عادی برنمی‌آمده، همچنان که در عصر حاضر نیز اینگونه است. اما گواه این مدعا سنگ‌نبشته‌ای است که در کشمیر، کنار یک زمین چوگان وجود دارد و مضمون آن چنین است: «بگذارید دیگران به بازی دیگر بپردازند، شاه‌بازی‌ها، همچنان بازی شاهان است» (بابایی، ۱۳۹۴: ۳).

گوی بازان: بر اساس مطالعات مردم‌شناسی، اسناد و اشعار به‌جای‌مانده می‌توان گفت در بین عشایر لر به جای واژه چوگان، «گوی‌بازی» مصطلح بوده، به گونه‌ای که هنوز هم به محل میدان چوگان خلیل‌آباد الیگودرز، بُنه‌وار لالی و سردشت، میدان گویازان «گوبازو» گفته می‌شود. در ادبیات فارسی ضرب‌المثل معروف «این گوی و این میدان» نیز از این بازی اقتباس شده است. در شعری از کدخدا ملا شنبه هیودی (ساکن خلیل‌آباد) از شاعران معاصر در لرستان (۱۳۲۰ ش.) این واژه بیان شده است:

همه گوی‌بازان چابک‌سوار	که در برد و باخت اندر آن روزگار
رقابت بکردند با یکدگر	هم از بهر پیروزی و هم هنر
هر آنکس که گوی را ز میدان ربود	برایش گرفتند جشن و سرود

(هیودی، بی‌تا: ۱۹)^۲

۱ علاوه بر سه پایتخت صفویان (تبریز، قزوین و اصفهان)، در مناطق مختلف زاگرس مرکزی به ویژه مناطقی که لرهای بختیاری‌نشین ساکن هستند، همچون چغاقور، باشت، بنوار لالی، بیرگان، توبزون، گلوگرد و خانی‌آباد هنوز هم آثار و عناصر مرتبط با چوگان وجود دارد (گفتگوی خصوصی با مصطفی شهریاری، فعال فرهنگی و عضو هیئت چوگان چغاقور، بهار ۱۳۹۹).

۲ مجموعه اشعار این شاعر محلی توسط نوادگان ایشان جمع‌آوری و صفحه‌آرایی شده، اما تاکنون منتشر نشده است

اجزاء چوگان

بازی چوگان از شش جزء کلی تشکیل شده است که عبارت‌اند از: اسب و انسان، گوی و چوب، زمین و میل‌دروازه‌ها. به عبارت دیگر شش دانگ چوگان با این عناصر قابل اجرا است.

اسب چوگان

هدف از اجرای بازی چوگان علاوه بر هیجان انگیز بودن و ایجاد حس نشاط و سرگرمی، تمرین و آمادگی اسب و انسان یا در حقیقت یک مشق نظامی بوده است. اجرای مکرر آن حس همبستگی و هماهنگی بین اسب و انسان را هر چه بیشتر تقویت می‌کرد و در مواقع جنگ اسب‌ها در رویارویی با موانع یا نهیب‌های طرف مقابل عقب‌نشینی نمی‌کردند، بلکه به سمت هدف حمله‌ور می‌شدند. تربیت اسب جنگی با سایر اسب‌ها بسیار تفاوت دارد. اسبی که برای جنگ تربیت می‌شود و آموزش‌های لازم را می‌بیند، در میدان نبرد پایه‌پای جنگجو می‌آید. در غیر این صورت هر چقدر جنگجو، دلاور، قدرتمند و متهور باشد، اگر اسبش در میدان نبرد، جا بزند یا جا بماند، بدون شک چیزی جز شکست یا مرگ نصیب او نخواهد شد. بنابراین اسب‌هایی که برای این منظور تربیت می‌شوند، باید نریانی پرخون، با استقامت بالا، بی‌باک، چالاک و میان‌سال باشند و حداقل چندین میدان جنگ را تجربه کرده باشند. در مواقع غیر از جنگ با اجرای بازی چوگان، اسب را برای نبرد همواره آماده و سرحال نگاه می‌داشتند. اما به لحاظ فنی اسب چوگان باید این ویژگی‌ها را داشته باشد: زیبایی اندام متناسب، گردن نرم، بدن قابل انعطاف و کپل قوی و در عین حال سرور و بداخلاق نباشد (ابراهیم‌پور، ۱۳۵۳: ۳۰).

گوی چوگان: گوی و چوب دو عنصر منقول و اصلی در بازی چوگان هستند. گوی از جنس چرم، نمد، الیاف یا پنبه بوده که به شکل فشرده و درهم‌تنیده بافته می‌شد. جدیدترین شواهد گوی چوگان در ایران به تازگی و در حین عملیات مرمتی در یکی از اتاق‌های کاروانسرای مجموعه گنجعلی خان کرمان به دست آمده است. در این فضا علاوه بر وجود یک نقاشی دیواری بر روی گچ با موضوع بازی چوگان، ۹ توپ پارچه‌ای در سردر کاروانسرا هنگام مرمت مقرنس‌ها کشف شد. هسته اولیه آنها پارچه‌ای است که با روکشی از نخ کاموا بافته شده است. ابعاد آنها بین ۵ تا ۷ سانتی‌متر و وزن آنها حدود ۵۷ گرم است^۱ (روحی و همکاران،

۱ با تشکر از باستان‌شناس عزیز، رضا ریاحیان برای ارائه نویافته‌های چوگان در کرمان

۱۳۹۹: ۱۹۳). وزن گوی چرمی به‌جای‌مانده از دوره قاجار ۱۵۰ گرم و قطر آن ۱۰ سانتی‌متر است (ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۰۶).

دروازه چوگان: مهمترین تصاویر و اسناد درباره شکل دروازه‌های میدان چوگان در ایران را باید در میان نقاشی‌های مینیاتوری عصر صفوی از جمله شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ، مثنوی گوی و چوگان (حالنامه) و ... جستجو کرد که خوشبختانه در سرتاسر ادبیات و هنر غنی ایرانی، از میداین چوگان تصاویر فراوانی به جای‌مانده است (تصاویر ۱۹ و ۲۰). در تمام این نقوش، دروازه‌های چوگان به شکل میل‌های استوانه‌ای است و شکل کلی آنها شبیه به قارچ است؛ با این تفاوت که بر روی کله مخروطی‌شکل میل‌ها، شیارهای عمودی و موازی کنده شده است. تعداد این شیارها در دوره صفوی به ۱۲ ترک می‌رسد که گویا برگرفته از کلاه ۱۲ ترکی قزلباش‌ها و نمادی از ۱۲ امام شیعه بوده است. در اغلب نقوش به صورت قالب‌های سنگی یکپارچه دیده می‌شوند و گاهی نیز به صورت آجرچین به نمایش درآمده‌اند (تصویر ۲۱). بهترین نمونه و شاهد به‌جای‌مانده در ایران میل‌های سنگی دروازه چوگان میدان نقش جهان در اصفهان است (تصویر ۲۲).^۱

شواهد باستان‌شناختی چوگان در خلیل‌آباد الیگودرز

منطقه خلیل‌آباد به لحاظ موقعیت طبیعی در انتهای یال شرقی اشترانکوه و کوهپایه شمالی قالیکوه با مختصات UTM ۳۶۱۹۶۸ عرض جغرافیایی و ۳۳۶۷۲۹۶۲ طول جغرافیایی و در ارتفاع ۲۳۷۷ متر از سطح دریا قرار دارد. جاده ارتباطی الیگودرز به گردنه سخت‌گذر «گل بادوش» و شول‌آباد از این منطقه عبور می‌کند. خلیل‌آباد به لحاظ تقسیم‌بندی سیاسی در محدوده دهستان بُرَبُروُد غربی، از توابع بخش مرکزی شهرستان الیگودرز واقع است. خلیل‌آباد در دشتی میان کوهی واقع شده است که در محل به «دشت چوگان» شهرت دارد. محدوده فعلی خلیل‌آباد، حدود ۹۷ هکتار وسعت دارد و در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی شهر الیگودرز قرار دارد. اما آنچه‌آن که از اسناد و اقوال برمی‌آید، خلیل‌آباد را در گذشته همواره شهر گفته‌اند؛ لیکن بعدها به روستا تبدیل شده و اکنون استقرارگاهی موقت برای جوامع کوچ‌رو در فصول بهار و تابستان است.

۱ با تشکر از خانم معصومه کرمی دانشجوی باستان‌شناسی دانشگاه لرستان، برای تصویربرداری از میل‌های سنگی نقش جهان اصفهان

خلیل آباد از نگاه باستان-مردم‌شناختی

منابعی که تاریخ بختیاری را بیان می‌کنند، از شهر بزرگ خلیل‌آباد در بُرُبرود به کرات یاد کرده‌اند (استرآبادی، ۱۳۸۴: ۳۲-۲۱۱-۳۱۰). گویا این شهر تا سال‌ها از بزرگترین خدمات عصر صفوی محسوب می‌شد. آثار برجای‌مانده از یحیی‌خان، یوسف‌خان و خلیل‌خان نشان می‌دهد که این سه نسل، آغازگر عرصه‌ای نوین در تاریخ لرهای بختیاری و منشاء خدمات عمرانی و عام‌المنفعه فراوانی بوده‌اند. خلیل‌آباد در دوره افشاری نیز بارها مرکز تحولات سیاسی بوده؛ به نحوی که نادرشاه افشار دو بار برای سرکوب مخالفانش به آن لشکرکشی کرده است (همان، ۳۲-۲۱۱-۳۱۰). در تاریخ جهانگشای نادری در شرح وقایع ۱۱۳۷ قمری، از شرح صفی‌میرزا نامی در منطقه خلیل‌آباد بختیاری و ادعای شاهزادگی صفویه و حمایت محمدحسین خان نوه خلیل‌خان حاکم وقت بختیاری از ایشان سخن گفته شده که توسط نادر کشته می‌شود (همان، ۳۲). در همین کتاب از شرح حادثه سال ۱۱۴۵ قمری، شورش بختیاری و فرستادن احمدخان فرزند قاسم‌خان به حکومت بختیاری از سوی نادرشاه و شورش جمعی از بختیاری‌ها در خلیل‌آباد و کشته شدن احمدخان صحبت شده که با ورود سپاه نادر به خلیل‌آباد و تعقیب و سرکوب شورشیان و کوچاندن سه هزار خانوار از هفت لنگ بختیاری به نواحی خراسان، قائله خاتمه می‌یابد و ابولفتح‌خان برادر احمدخان به حکومت بختیاری منصوب می‌شود (همان، ۲۱۱). بدون شک در ادوار گذشته، شهری که خاستگاه حاکمان و دولتمردان بوده، باید از جهات مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، نیروی کار و جنگاور در سطح بالایی قرار داشته باشد. به گواه تاریخ خلیل‌آباد همواره کانون توجه دولت حاکم وقت (صفوی و افشاری) بوده، به طوری که برای تعیین حاکم آن، شخص شاه تصمیم نهایی را می‌گرفت و در اعزام مردان جنگی برای شرکت در نبرد علیه شورشان و اخذ مالیات نیز خلیل‌آباد از مراکز تأمین‌کننده بوده است. در زمان افشاریه، نادرشاه برای سرکوب شورشیان، در رأس سپاهی به خلیل‌آباد لشکرکشی می‌کند. بقایای آثار و ابنیه شهر خلیل‌آباد و رخدادهای تاریخی آن نشان می‌دهد که حاکمان شهر خلیل‌آباد همواره درصدد رشد و تعالی آن بوده‌اند؛ تا حدی که به تأسی از شاهان صفوی برای خود عمارت‌های اعیانی، میدان چوگان و اسباب بزرگی بر پا می‌کردند.

ابیاتی از ملا شنبه هیودی یکی از شاعران محلی بختیاری درباره شهر خلیل‌آباد و اقدامات عمرانی خلیل‌خان در آن در دست است:

بگویم شعری از خلیل‌خان سرلک	دو آب را بُرد با هم به مُلک گُلک
دو آبی که بودند در آن مکان	یکی بُرد دره یکی دره لکان
بزد سد خاکی و کوره بکند	بُرد آب را آن مرد سر بلند
بشد کشتزارش چو باغ بهار	گُلک گشت نامش در آن روزگار
ز برف پیر، آبی به طول زیاد	بیاورد و بنیان شهری نهاد
به دستور آن مرد که آباد شد	ورا نامش خلیل آباد شد

(هیودی، بی تا: ۲۰)

همان طور که از این اشعار و نیز بررسی‌های میدانی نگارندگان برمی‌آید، اقدامات خلیل‌خان در نوع خود و در زمان کم‌نظیر و درخور ستایش بوده است. اکنون پس از گذشت چهار دهه هنوز آثار و ابنیه‌ای که به دستور او ساخته شده مشهود است. از جمله نه‌های خلیل‌آباد و دره‌دایی، آسیاب و کوره پخت آجر و سفال در منطقه سرکول، جاده و پل (حسن‌پور و میرزایی، ۱۳۹۸: ۸۰) و شهری که آثار شکوهش را اکنون می‌توان در قبرستان مردگان خلیل‌آباد جستجو کرد.

بر اساس بررسی‌های قوم-باستان‌شناسی میدانی، خلیل‌آباد اکنون یک اقامتگاه عشایری برای استقرار موقت طایفه هیودی در فصول گرم سال است و بر اساس اظهارات اهالی محل و سالخوردگان، بیش از دو قرن پیش همین طایفه این محل را از خاندان خلیل‌خان و طایفه سرلک خریده‌اند.

خلیل‌خان و نوادگانش در تاریخ

خلیل‌خان، جانشین جهانگیرخان بختیاری یکی از حاکمان و ایلخانان سرشناس بختیاری بوده که در منابع تاریخی مختلف دوره صفوی نام این دو شخص بارها ذکر شده است. فقط در یک منبع خلیل‌خان، پسر جهانگیرخان ذکر شده (ترکمان، ۱۳۹۰: ۱۳۲۲) و در اکثر منابع، از وی به عنوان برادر جهانگیرخان یاد شده است (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۲۷). به نظر می‌رسد «جهانگیرخان بختیاری» در بازه زمانی میان ۱۰۲۶ تا ۱۰۳۱ هـ.ق. نفوذ و قدرت زیادی در بختیاری داشته و نام او بارها در منابع ذکر شده است. پس از این تاریخ بود که پسر دیگرش یعنی «خلیل‌خان» زمامداری بختیاری را بر عهده گرفته است. احتمالاً «جهانگیرخان بختیاری» در بین سال‌های ۱۰۳۱ تا ۱۰۳۷ هـ.ق. فوت شده و در پایان سلطنت شاه‌عباس یکم، پسرش یعنی «خلیل‌خان» منصب حاکمی بختیاری‌ها را بر عهده گرفته است. به نظر می‌رسد که خلیل‌خان تا دوره پادشاهی

شاه عباس دوم زمامدار مناطق بختیاری بوده است (ذلقی، ۱۳۹۸: ۳۳۴). در سال ۱۰۵۲ هـ.ق. سایر سران بختیاری و مردم بختیاری علیه «خلیل خان» شورش می‌کنند و همه اموال و اسباب او را به تاراج می‌برند و «خلیل خان» به سمت خوانسار و جرفادقان/گلپایگان فرار می‌کند.^۱ وقتی قلندر سلطان حاکم سمیرم از این خبر مطلع شد، سخت آزرده شد و با ۱۲ هزار نفر به سمت منطقه بختیاری حرکت کرد تا آنها را سرکوب کند. سرانجام با کوشش قلندر سلطان و نفوذ او، سران و مردم بختیاری حاضر به آشتی با خلیل خان شده و این غائله بدون جنگ و خونریزی تمام شد (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۴۳۲). همچنین «خلیل خان» در سال ۱۰۵۴ هـ.ق. به دلیل سرکشی‌هایی که در مقابل دربار شاه عباس دوم داشته است، به دستور شاه عزل شد (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۲۷). البته در سال ۱۰۶۷ هـ.ق. به خاطر پذیرایی شاهانه‌ای که خلیل خان از شاه عباس دوم کرد، بار دیگر مورد لطف و عنایت شاه قرار گرفت و شاه عباس مجدداً حکومت بختیاری و ولایت خوانسار را به وی واگذار کرد (همان، ۲۰۸). بر اساس بررسی‌های باستان‌شناسی، آثار و ابنیه متعددی در سرزمین بختیاری منتسب به خلیل خان وجود دارد که برخی از آنها بیان می‌شود. احداث جاده ایل‌راه از سردشت دزفول تا الیگودرز که از مناطق کوهستانی و سخت‌گذر «کوه سالند»، «پل‌کول»، «کول‌چنگر»، «سرکول» و «زَز و ماهرو» عبور می‌کند. در طول این مسیر که به «آسون خلیل خان» معروف است، چندین پل، قلعه، آسیاب و راه سنگفرش وجود دارد (حسن‌پور و میرزایی، ۱۳۹۸: ۸۰). ساخت این ایل‌راه باستانی که بیش از یکصد کیلومتر طول دارد، در زمان خود، کاری بس شگرف بوده که با همت خلیل خان آغاز شده و بر اساس سنگ‌نوشته‌ای، که اخیراً نگارندگان در منطقه زَز و ماهرو از توابع شهرستان الیگودرز کشف و معرفی کردند، توسط یوسف‌خان فرزند خلیل خان در سال ۱۰۹۱ هـ.ق. به پایان رسیده است.^۲ از دیگر اقدامات عمرانی خلیل خان، نهری در منطقه خلیل‌آباد است که آب شرب را از

۱ اندر حکایت فرار خلیل خان در میان عشایر بختیاری نقل است که خلیل خان هنگام فرار گرسنه می‌شود، به یک آبادی نزدیک گلپایگان می‌رسد، طلب غذا می‌کند. پیرزنی در آن روستا، کاسه‌ای پر از آش دوغ و جو به او تعارف می‌کند. خلیل خان با اکراه و از سر ناچاری آن را می‌گیرد و هنگام سر کشیدن، سبیل‌های بلندش به درون آش دوغ فرو می‌روند. او که هیچگاه از طعام مخصوص رعایا نخورده بود، به یکباره خود را خوار می‌بیند و این شعر را با خود زمزمه می‌کند: خلیل خون بیدم و به عنبر نی نهادم بو سیویلام دور و دراز رتین به جو دوو. ترجمه: من خلیل خان بودم که حتی اعتنایی به بوی عنبر هم نمی‌کردم و حال کارم به جایی رسیده که سبیل‌های بلندم که نشان اربابی و حکمرانی بود، در آش دوغ، سفید شده و این گونه خار و ذلیل شده‌ام.

۲ سایت Lorestanmiras.ir، شناسه خبر ۶۳۷، تاریخ انتشار ۱۸ تیرماه ۱۳۹۹

ارتفاعات قله «کول جنون اشترانکوه» به طول ۳۲ کیلومتر با شیب مهندسی‌شده، به اراضی خلیل‌آباد و چغاگرگ منتقل کرده است. این کار علاوه بر طول زیاد و دشواری مسیر انتقال، به دلیل جابجایی حوزه آب از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر، در نوع خود و در زمان خود، اقدامی بی‌نظیر و ماندگار است که باید در ردیف آثار شگرف مهندسی آب قرار گیرد.^۱ ماندگاری و مهندسی این اقدام تا حدی بود که حدود چهارصد سال بعد از خلیل‌خان، سازمان امور عشایر با همکاری شرکت آب منطقه‌ای لرستان برای تأمین آب شرب و کشاورزی روستاهای چغاگرگ و عشایر منطقه خلیل‌آباد مجبور به احیاء و استفاده مجدد از این کانال قدیمی شد.

بیلاق خلیل‌خان در خلیل‌آباد الیگودرز و قشلاق او در روستای بُنه‌وار لالی در خوزستان بوده است. علاقه خلیل‌خان به بازی چوگان سبب شده که در هر دو اقامتگاه زمستانی و تابستانی علاوه بر ساخت عمارتی اعیانی، میدان چوگانی نیز بنا کند تا هنگام تفرج به این بازی بپردازد. از دو عمارت یادشده، قلعه بنه‌وار تقریباً سالم باقی‌مانده، اما عناصر این میدان چوگان و قلعه سردشت از بین رفته‌اند. اما در خلیل‌آباد عکس این قضیه اتفاق افتاده است، به طوری که هر چهار میل سنگی دروازه چوگان در محل موجود هستند، ولی عمارت خلیل‌خان به طور کامل تخریب شده است. سردار اسعد، به نقل از پیشینیان خود، بنه‌وار را چنین معرفی می‌کند: «یکی از آن ابنیه در سردشت و دیگری در بنه‌وار است، اما عمارت بنه‌وار که به منزله قصر است باشکوه‌تر و وسیع‌تر است و تمام خوانین بختیاری در آنجا محض اینکه در جوار خان و رئیس خود بوده باشند، برای قشلاق عمارت مخصوص ساخته بودند. عمارت خوانین اجداد ما تا این زمان در آنجا موجود است که مشایخ قوم خبر می‌دهند که فلان نقطه نقاره‌خانه و فلان نقطه دفترخانه و فلان نقطه فراشخانه بوده و در دو مکان مذکور محل اسب‌بازی و گوی‌بازی بوده است که خوانین در آنجا مشغول به اسب‌تاختن و گوی‌زدن بوده‌اند و آثارش به خوبی این مسئله را به ما نشان می‌دهد» (سردار اسعد، ۱۳۹۰: ۱۶۰). در میان بختیاری‌ها این مکان به بنه‌وار هفت‌وچهار یا بنه‌وار خلیل‌خان معروف است؛ در اینجا بنه‌وار هفت وچهار اشاره به هفت‌لنگ و چهارلنگ

۱ در یکی از اشعار قدیمی سروده شده در وصف خلیل‌خان، اشاره‌ای به این نهر آب شده است:

آرپناه مال خویمه، مودو مُلکِ بِنُویمه صد پیا چالاک و تیز جوروبِ جوومِه

معنی: مالک منطقه «آرپناه» (بین شوشتر و دزفول) خودم و املاک «مودو» مربوط به پدرم است. همچنین صد مرد چالاک و زرنگ، به کار لایروبی نهر آبم مشغول هستند.

است و شاید بدین معنی است که بنه‌وار مرکز خوانین هفت‌لنگ و چهارلنگ بوده است و خان‌های هر دو طایفه در آنجا زندگی یا حکمرانی می‌کردند (ذلقی، ۱۳۹۸: ۳۲۰).

اسکندر خان عکاشه (ضیغم‌الدوله بختیاری) در کتاب تاریخ ایل بختیاری ضمن بیان وقایع و اتفاقات رخ داده در حین بازی چوگان در میدان بنه‌وار می‌گوید: «در سالی که واقعه دز شهی واقع شد، این فانی نیز هنگام رجعت از راه بنه‌وار عبور کردم و یورت و عمارت اسدالله خان را به فانی نشان دادند. اصطبل به همان آبادانی قبل بود، ولی عمارت به کلی خراب شده است و در آن حوالی میدان گوبازی داشته‌اند که رؤسا و سواران همه وقت مشغول سواری و گوبازی بودند و دو میل سنگی حجاری شده در دو طرف میدان نصب کرده‌اند، در عهد خلیل خان و بعد از آن آنجا را میدان گوبازی قرار داده‌اند» (عکاشه، ۱۳۶۵: ۳۷).

سردار ظفر (خسروخان) در کتاب یادداشت‌ها و خاطرات خود نقل می‌کند: «بنه‌وار به زبان بختیاری دهکده را گویند ده کوچک، حکومت بختیاری فصل بهار می‌رفت آنجا، بختیاری‌ها هم چند روزی حسب‌الامر حکمران آنجا می‌رفتند و چوگان‌بازی و اسب‌دوانی می‌کردند، اکنون هم آثار او برجاست و میدانی که اسب‌دوانی می‌کردند پیداست» (حسینقلی و بختیاری، ۱۳۶۲: ۶۳). یوسف خان فرزند خلیل‌خان بوده که پس از ایشان حاکم بختیاری شد (نصیری، ۱۳۷۳: ۲۱۸). سنگ‌نیشته‌ای از ایشان در منطقه سرکول الیگودرز در تاریخ ۱۰۹۱ ه.ق. موجود است که بیانگر اتمام یک ایل‌راه قدیمی است که گویا پدرش خلیل‌خان بانی و آغازگر آن و پسرش یوسف‌خان تمام‌کننده آن بوده است. نگارندگان به تازگی این سنگ‌نیشته را کشف کردند و در آینده نزدیک منتشر خواهد شد. نویسنده کتاب تذکره شوشتری علت مرگ یوسف خان را غرق شدن در رودخانه شوشتر در سال ۱۱۰۹ ه.ق. بیان کرده است (جزایری، ۱۳۸۶: ۶۱). در برخی از منابع دیگر همچون رحله المکیه (مشعشعی، ۱۳۹۶: ۱۹۴ و ۲۲۲) و دستور شهریاران (نصیری، ۱۳۷۳: ۲۱۸، ۲۵۴، ۲۵۷) درباره حکومت ایشان در حدود سال‌های (۱۱۱۲-۱۰۹۱ قمری) مطالبی بیان شده است.

یحیی خان فرزند یوسف‌خان و نوه خلیل‌خان بختیاری است که ظاهراً بعد از پدر حاکم بختیاری می‌شود. به نقل از تذکره شوشتر: «در جنگ بین بختیاری‌ها و اعراب، بختیاریان شکست خوردند سال [۱۱۲۴] و رستم بیک مقتول شد و اسفندیار بیک ولد او خلیفه شد و یحیی‌خان ابن یوسف‌خان حاکم بختیاری او را خدمت نمود و حکومت شوشتر به یحیی‌خان داده شد و میرزا محمدحسین نایب او شد و مدت او سه ماه بود [۱۱۲۹]» (جزایری، ۱۳۸۶: ۶۲). به گفته

حسن آسترکی که از یک منبع عصر قاجار نقل کرده است: «قبر یحیی خان بختیاری در حرم رضوی دفن است. یحیی‌خان یک دوره از فرماندهان ایران بوده و در بازپس‌گیری بصره از عثمانی به همراه برادرانش قاسم خان و محمدعلی‌خان و محمدحسین‌خان شرکت داشته و رشادت‌ها از خود نشان داده و همچنین خدمات شایسته‌ای را در شکل‌گیری اولین نظم نوین و سازمان‌یافته در بختیاری پس از فروپاشی سلسله اتابکان ارائه داده است. در شهر بزرگ خلیل‌آباد که تا سال‌ها از بزرگترین خدمات عصر صفوی محسوب می‌شد، آثاری از یحیی خان برجای مانده است؛ به واقع می‌توان از وی و پدربزرگش خلیل‌خان به عنوان آغازگر عرصه نوین بختیاری با تغییر در سبک زندگی ایشان نام برد» (آسترکی، ۱۳۹۸)^۱. تنها سنگ‌نبشته موجود از یحیی‌خان، بر روی سنگ میل دروازه چوگان در خلیل‌آباد الیگودرز نقر شده که نشان‌دهنده وجود بنایی بزرگ و یک میدان چوگان در آن منطقه است. به نظر می‌رسد از میان فرزندان و نوادگان خلیل‌خان، بیش از همه، یحیی‌خان راه پدربزرگ خویش را به خوبی ادامه داده است.

بررسی قبرستان خلیل‌آباد با تکیه بر مدارک باستان-مردم‌شناختی و معماری: در نگاه

نخست به محوطه خلیل‌آباد، برای آنکه آن را شهر بخوانیم، هیچ عنصر معماری شاخصی مشاهده نمی‌شود. فقط یک قبرستان قدیمی در غرب آن وجود دارد که در حال حاضر بهترین راهنما برای شناسایی این محوطه در میان اراضی زراعی است. اما همین قبرستان نکته‌ها و حکایت‌ها در خود نهفته دارد که اگر زبان بگشاید، از اسرار ناگفته بی‌شماری پرده برمی‌دارد و شاید کلید بیشتر سؤالات بی‌پاسخ مانده پژوهشگران در لابلای سنگ‌های خوابیده و افراشته این قبرستان باشد.

دورنمای ظاهری قبرستان خلیل‌آباد مانند دیگر قبرستان‌های لرستان است، اما به محض ورود به آن، تفاوت آشکار آن با سایر قبرستان‌ها نمایان می‌شود. حجم انبوهی از سنگ‌های پاکتراش در ابعاد و اندازه‌های مختلف با قالب‌های مکعبی و چکش‌کاری شده، سنگ‌نما، سنگ‌پله، سنگ‌حوض، سنگ‌های آرازه دیوار و میل‌های سنگی افراشته با سر قارچی شکل دیده می‌شود که هیچ‌گونه شباهتی به سنگ‌مزار یا نشان‌گور ندارند. برخی از آنها کاربری ثانویه یافته و با حکاکی به سنگ خوابیده گور تبدیل شده‌اند. برخی سنگ‌های تخت و صاف نیز در سنگ‌فرش اطراف

۱ برگرفته از کانال تلگرامی با عنوان جستارهای بختیاری پژوهی با مدیریت حسن آسترکی

گور یا حصار قبرستان به کار رفته‌اند (تصاویر ۶ تا ۹). در نگاه نخست به خوبی مغایرت و عدم تناسب سنگ‌ها با قبرستان مشهود است. به عبارت دیگر، بین سنگ‌های پاکتراش، که گویا به عمارتی اعیانی مربوط بوده‌اند، با این قبرستان ارتباط معناداری وجود ندارد. حال این پرسش مطرح می‌شود که این سنگ‌ها از کجا آمده‌اند؟ مربوط به چه بنایی بوده و اینجا چه می‌کنند؟ اما در این میان آنچه بیش از سایر سنگ‌ها توجه را به خود معطوف می‌کند، سنگ‌های افراشته‌ای است که به شکل قارچ بر روی چند گور وجود دارند (تصاویر ۱۰ تا ۱۵). از این مدل سنگ‌ها فقط چهار نمونه وجود داشته که سودجویان اشیاء عتیقه به خیال وجود گنج در زیر آنها، در سال ۱۳۸۹ دو عدد را واژگون و سومی را از وسط، دو نیم کرده بودند. به همین دلیل یگان حفاظت میراث فرهنگی الیگودرز تصمیم می‌گیرد دو میل سنگی سالم به همراه نیمه فوقانی میل سنگی سوم را به موزه مردم‌شناسی الیگودرز منتقل کند. در این بازدید مشاهده شد مزاری که میل سنگی سوم بر فراز آن قرار داشت، به وسیله سودجویان اشیاء عتیقه نبش قبر و تخریب شده بود (تصویر ۵). اما ده سال بعد (اردیبهشت ۱۳۹۹) گزارش‌های انجمن‌های دوست‌دار میراث فرهنگی مبنی بر در معرض خطر دستبرد بودن چهارمین سنگ میل باعث شد تا پس از بازدید میدانی و ثبت و ضبط وضع موجود، با اخذ حکم قضایی، آخرین سنگ میل باقی‌مانده به موزه مردم‌شناسی الیگودرز منتقل گردد.^۱ میل چهارم بر مزار شخصی به نام

۱ انتقال این اثر به موزه با مصائب و دشواری‌های بسیاری همراه بود. با اینکه رضایت عشایر منطقه طی جلسات حضوری جلب شده بود، اما سودجویان آثار تاریخی در فرصتی که یگان حفاظت به دنبال اخذ حکم قضایی بود، تشویش اذهان عمومی و فرافکنی بین عشایر، مانع از انتقال سنگ میل شدند و پس از آنکه با چانه‌زنی فراوان موفق به بارگیری سنگ شدیم، با تحریک عده‌ای از شهرنشینان که ادعای وابستگی به عشایر منطقه را داشتند، در روستای زژم واقع در ۵ کیلومتری الیگودرز، جاده را بر جرثقیل حامل سنگ بستند و با استفاده از اهرم فشار، تهدید و زور محلی، راننده جرثقیل را مجبور به بازگشت کردند، به طوری که هیچ کاری از دست پاسگاه انتظامی محل، بخشدار منطقه و مأمورانی که اسکورت بودند، برنیامد. تا اینکه فرمانده انتظامی الیگودرز جناب سرهنگ عباس محمدی، که خود قبلاً فرماندهی یگان حفاظت میراث فرهنگی لرستان را نیز بر عهده داشت، شخصاً وارد عمل شد و با رشادت هر چه تمامتر، متخلفان را متواری و جرثقیل را در نزدیکی خلیل‌آباد متوقف و به سمت الیگودرز بازگرداند و تا درب موزه مردم‌شناسی اسکورت کرد. بدین منظور مراتب تشکر و سپاس خود را از این فرمانده دلاور، لایق و فرهنگ‌دوست ابراز می‌داریم. شایان ذکر است که یک ماه پس از انتقال سنگ میل به موزه، عشایر طایفه هیودی مستقر در خلیل‌آباد، مهمانی بزرگی ترتیب دادند و با دعوت از مسئولان میراث فرهنگی، بخشدار و عوامل انتظامی، ضمن بیان خواسته‌های خود، از زحمات و تلاش‌های میراث فرهنگی در حفاظت و حراست از این اثر تاریخی ابراز تشکر کردند.

صیدمراد مرادیان از طایفه هیودی^۱ (متوفی ۱۳۱۷ ه.ش.) قرار داشت (تصویر ۴) و بر خلاف سه میل سنگی دیگر، نبشته‌ای در چهار سطر بر بدنه خود داشت (تصاویر ۱۰ تا ۱۴). مضمون آن چنین است:

به تاریخ یحیی بن یوسف نهاد
بنایی که تا هفت دوران بود
پی سال تاریخ او عقل گفت
سر دشمنش گوی میدان بود

سنه ۱۱۱۶

محتوای کتیبه این سنگ‌نبشته که هیچ ارتباطی با قبر کنارش نداشت، چند سؤال مهم را در ذهن ایجاد می‌کند. یحیی بن یوسف کیست؟ برای کدام بنا آرزوی ماندگاری شده است؟ و کدام میدان محل زدن سر دشمنان خواهد بود؟

برای پاسخ به سؤالات و ابهامات مذکور، در تحقیقات میدانی مردم‌شناسی مشخص شد مردم محل به این سنگ‌ها «برد گو» می‌گویند و آنها را متعلق به دروازه‌های میدان چوگانی می‌دانند که در فاصله ۲۰۰ متری شرق قبرستان قرار دارد. عشایر خلیل‌آباد این مکان را «چال میدون یا میدان گو بازو» یا میدان گوی‌بازان حاکمی به نام خلیل‌خان و فرزندانش می‌نامند. میدان مذکور اکنون بین کشاورزان به چند قسمت تقسیم شده و به زیر کشت رفته است. ابعاد آن در حدود ۲۵۰ * ۱۵۰ متر است.^۲ ظاهراً این میدان در دوران شکوه حاکمان منطقه، دو دروازه متشکل از چهار میل سنگی داشته و پس از آنکه از رونق افتاده، به مرور زمان و با فوت کدخداهای و بزرگان ساکن خلیل‌آباد این میل‌های سنگی که بلااستفاده بودند، توسط عشایر منطقه به قبرستان منتقل

۱ از جمله دلایل عدم دستبرد سودجویان آثار تاریخی به این میل سنگی، علاوه بر همجواری با قبر مرحوم مرادیان و ارزش و اعتبار آن مرحوم در نزد عشایر منطقه، باید به وضعیت قرارگیری میل سنگی نیز توجه کرد که جهت نوشته‌های روی سنگ میل، به سمت نرده‌های محافظ روی قبر و تقریباً چسبیده به آن بود و همین موضوع، مانع از ارتباط بصری سودجویان آثار تاریخی و تشخیص محتوای آن شده بود.

۲ طول و عرض استاندارد زمین چوگان در مسابقات رسمی به ترتیب ۲۷۴ و ۱۴۵ متر است (البته در کشور ایالات متحده آمریکا و آرژانتین به همراه برزیل این ابعاد کمی از استاندارد رایج بزرگ‌تر است). طول دروازه نیز ۷ متر است.

شده و بدون دستکاری به عنوان نشان گور مردان نامدار ایل، همچون شیر سنگی، بر روی گور آنان قرار گرفته‌اند.^۱

مفهوم چهار مصرع شعر موجود بر سنگ‌نبشته خلیل‌آباد، از ساخت بنایی توسط یحیی‌خان نوه خلیل‌خان حکایت می‌کند که آرزو داشته تا قرن‌ها پایدار بماند. همچنین در مصرع چهارم با رجزخوانی، سر دشمنانش را هدف گوی میدان چوگان کرده^۲ و تاریخی را به سال ۱۱۱۶ ه.ق. ثبت کرده که احتمالاً سال اوج قدرت یا اتمام عمارت او در خلیل‌آباد است. اما چهار میل سنگی به لحاظ شکل، ابعاد و تعداد، متعلق به دروازه‌های میدان چوگانی است که همچنان در اذهان ساکنان محل به میدان گوی‌بازان معروف است. موقعیت بنای یادشده در سنگ‌نبشته نیز به خوبی قابل تطبیق است و یافته‌های معماری و باستان‌شناسی و اطلاعات مردم‌شناسی نیز بر آن صحنه می‌گذارند.

در بررسی‌های میدانی انجام شده با کمک عشایر منطقه، چند محوطه تاریخی دیگر شناسایی شد که با وجود فواصل کم آنها از یکدیگر، یک مجموعه معماری پیوسته به هم را نشان می‌دهد. در شرق این مجموعه شناسایی شده، بقایای بنایی وجود دارد که سنگ‌های باقی‌مانده در سطح آن، شباهت بسیاری به سنگ‌های موجود در قبرستان دارند. عشایر منطقه به این ناحیه کاخ یا عمارت خلیل‌خان می‌گویند. در محل کاخ که اکنون سیاه‌چادری برپاست (تصویر ۱۶)، آثار پی‌بنا و سنگ‌های پاکتراش بزرگی به جا مانده (تصویر ۱۷) که بر اظهارات ریش‌سفیدان و اطلاعات مردم‌شناسی صحنه می‌گذارد. به گفته برخی ریش‌سفیدان^۳، سنگ‌های موجود در قبرستان مربوط به اجزای مختلف این بنا هستند که پس از تخریب آن طی سال‌های متمادی همچون چهار میل سنگی دروازه میدان چوگان، برای سنگ مزار به قبرستان فعلی منتقل شده‌اند. یافته‌های باستان‌شناسی به دست‌آمده همچون آجر، سفال و سنگ‌های تزئینی به کار رفته در

۱ گفتگو با آقایان عیدی پارسى ۷۵ ساله و محمد حسین نامداری ۷۰ ساله، ساکن خلیل‌آباد

۲ در سرتاسر تاریخ ادبیات ایران از این نمونه اشعار فراوان دیده می‌شود. برای مثال در شعر حافظ: گر دست رسد در سر زلفین تو بازم / چون گوی چه سرها که به چوگان تو بازم. یا در مصرعی از شعر ابوسعید ابولخیر: ای در خم چوگان تو سرها شده گوی. همچنین در بیتی از امیر خسرو دهلوی: مرا قامت چو چوگان است و سر چون گوی سرگردان / بیا ای ترک و چوگانی بدین سرگشته درگردان و نیز محتشم کاشانی در غزلی می‌نویسد: گوی میدان محبت سر اهل نظر است / گرد این عرصه مگردید که سر در خطر است.

۳ گفتگو با آقایان عیدی پارسى ۷۵ ساله و محمد حسین نامداری ۷۰ ساله، ساکن خلیل‌آباد

ساختمان، در محل کاخ خلیل‌خان نیز نشان‌دهنده استقرار و سکونت در دوره صفویه است. در میان یافته‌ها، آجرهای سالم در ابعاد $4/5 \times 23 \times 23$ و سفال‌های لعاب‌دار فیروزه‌ای‌رنگ مربوط به دوره صفوی وجود دارد (تصویر ۱۸).

موقعیت بنا نسبت به زمین‌های اطراف در بالاترین سطح است و به اراضی هموار در قسمت جنوب اشراف کاملی دارد. این اراضی هموار اکنون زیر کشت هستند و به چندین قطعه تقسیم شده‌اند. ساکنان محل به این اراضی «میدان» می‌گویند و چهار میل سنگی دروازه چوگان را از این میدان به قبرستان منتقل کرده‌اند. اکنون به خوبی می‌توان صحنه چوگان‌بازی بزرگان بختیاری در این میدان را در ذهن ترسیم کرد. یحیی‌خان بر بلندای ایوان کاخ نشسته و در پایین‌دست، شاهد رقابت گوی‌بازان و چابک‌سوارانی است که با نوای شورانگیز ساز کرنا و ضرب دهل، گوی قدرت را به امید عطایای ملوکانه، از یکدیگر می‌ربایند و از دروازه چوگان به تاخت، گذر می‌کنند.

مقایسه تطبیقی میل‌های دروازه چوگان خلیل‌آباد

شکل میل‌های دروازه چوگان در میدان نقش جهان اصفهان بهترین نمونه قابل مقایسه با میل‌های سنگی میدان چوگان خلیل‌آباد است. با این تفاوت که اندازه میل‌های نقش جهان بزرگتر از خلیل‌آباد است. اما شکل فارچی، ساقه آنها و کله دوازده ترک میل‌ها دقیقاً مشابه‌اند (تصویر ۱۴). علاوه بر این در مینیاتورهای به‌جای‌مانده از دوره اسلامی به ویژه عصر صفوی نظیر نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسب برگ ۴۰۳، مثنوی گوی و چوگان عارفی و همچنین شاهنامه فردوسی در سده ۱۶م. (تصاویر شماره ۱۹ تا ۲۱) تصویر میل‌های چوگان مشابه نمونه خلیل‌آباد قابل مشاهده است. در همه مینیاتورها و نقاشی‌ها با مضمون بازی چوگان، شکل میل‌ها شبیه به هم است. شکل کله دوازده ترک میل‌ها از کلاه قزلباش‌های صفوی و اعتقاد آنها به سروری دوازده امام شیعیان الهام گرفته است. لازم است یادآور شویم در هیچ ناحیه ایران از این نمونه‌های خاص به عنوان سنگ گور استفاده نشده است.

در بررسی‌های اخیر در استان کرمان شواهد جدیدی از اجرای چوگان در میدان گنجعلی‌خان از جمله یک نقاشی دیواری گزارش شده که نمونه میل‌های سنگی آن همچون نمونه‌های خلیل‌آباد است (روحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۶).

میل‌های سنگی خلیل‌آباد با اختلاف اندکی تقریباً هم‌اندازه هستند. برای نمونه، ابعاد میل کتبیبه‌دار خلیل‌آباد به عنوان میانگین ذکر می‌شود. ارتفاع میل ۱۴۵، قطر ساقه در قسمت پایین ۴۲

و در بالا ۳۴، قطر کلاهک ۳۸ و ارتفاع کلاهک ۲۸ سانتی‌متر و وزن آنها در حدود ۳۰۰ کیلوگرم است. جنس آنها از سنگ آهک مرمریت به رنگ سفید شیری است. هر چهار میل سنگی خلیل‌آباد اکنون به موزه مردم‌شناسی الیگودرز منتقل شده‌اند.

کشفیات و تحقیقات اخیر نشان می‌دهد اکنون در ایران تنها میدان چوگان به‌جای مانده از قدیم با تمام عناصر مربوطه، میدان نقش جهان اصفهان است. میدان چوگان خلیل‌آباد به عنوان نزدیکترین مکان به اصفهان را نیز باید در زمره میادین به جای مانده از عصر صفوی به حساب آورد؛ با این تفاوت آشکار که میل دروازه آن دارای سنگ نوشته و تاریخ مکتوب است.

پایان سخن

نتایج به دست آمده از مطالعات باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، معماری و بررسی متون تاریخی نشان می‌دهد که خاندان خلیل‌خان با احتساب حکمرانی جهانگیرخان پدرش و فرزندانش یوسف‌خان و یحیی‌خان قریب به یک قرن از طرف دولت صفوی بر سرزمین لرستان بختیاری حکومت کردند. قلمرو خاندان خلیل‌خان، استان چهارمحال و بختیاری، قسمت‌های شمالی استان خوزستان، شرق لرستان، غرب اصفهان و جنوب استان مرکزی را در بر می‌گرفت. اقامتگاه قشلاق این خاندان در بُنه‌وار لالی و اقامتگاه ییلاقی آنها در خلیل‌آباد الیگودرز با میادین چوگان مختص به خود بوده است. دروازه‌های سنگی میدان چوگان بُنه‌وار طی سالیان گذشته یا به غارت رفتند یا تخریب شدند، اما چهار میل سنگی میدان چوگان خلیل‌آباد همگی موجود هستند، فقط از محل خود جابجا و در قبرستان مجاور میدان، بدون هیچ تغییری و به همان صورت، به عنوان نشان گور مورد استفاده قرار گرفتند. بنابراین پس از میدان چوگان نقش جهان اصفهان، میدان چوگان خلیل‌آباد دومین میدان ایران است که هر چهار میل سنگی دروازه‌های آن موجود هستند و با توجه به اینکه دروازه‌های میدان نقش جهان فاقد سنگ‌نبشته هستند، سنگ‌نبشته خلیل‌آباد تنها سنگ‌نبشته مربوط به میدان چوگان موجود در ایران است که بیش از سه قرن قدمت دارد و می‌تواند باب تازه‌ای از مطالعات تاریخی مربوط به چوگان را در ایران باز کند. می‌دانیم که بازی چوگان در فهرست میراث جهانی به ثبت رسیده و به دلیل گمنام بودن این مکان، در پرونده مربوطه، هیچ صحبتی از میدان چوگان خلیل‌آباد نشده است. بنابراین نگارندگان قصد دارند با ارائه مستندات علمی و مکاتبات لازم، عناصر میدان چوگان خلیل‌آباد به ویژه

میل‌دروازه‌ها و سنگ‌نبشته موجود، که سند معتبری از اجرای چوگان در ایران است، را به این پرونده الحاق کنند.

یافته‌های باستان‌شناسی از جمله سفال و بقایای معماری موجود بر اسناد تاریخی و اقوال مردم درباره شکوه شهر خلیل‌آباد در دوره صفوی صحه می‌گذارند، اما آنچه می‌تواند حقایق بیشتری را آشکار کند، انجام کاوش‌های باستان‌شناسی هدفمند است، به ویژه آنکه در محل میدان چوگان و عمارت منسوب به یحیی بن یوسف و نیز محل شهر خلیل‌آباد هنوز هیچ ساخت‌وسازی انجام نشده است. بنابراین تا قبل از آنکه اراضی این محل در معرض توسعه جوامع روستانشین قرار گیرد، ضرورت دارد میراث فرهنگی پروژه پژوهشی مربوط را آغاز کند. در حال حاضر قبرستان خلیل‌آباد عصاره‌ای از شکوه کهن‌شهر خاموش خلیل‌آباد، شوکت خاندان خلیل‌خان^۱ و سندی مکتوب از شاه‌بازی‌های عصر خلیل‌خانی است که همچون شاهدهی راستین، رازهایی را که در سینه دارد، برای مشتاقان بازگو می‌کند. قبرستان مردگان خلیل‌آباد اکنون موزه‌ای زنده است که همیشه ایام، زبان عصر خود است، به ویژه برای آنان که با زبان گورنوشته‌ها و مفاهیم گورنگاره‌ها آشنا هستند.

۱ امروزه، شکوه دیرین شهر خلیل‌آباد را سنگ‌گورهای برافراشته فریاد می‌زنند و حدود و ثغور مُلک خلیل‌خان، از مویه‌های زنان ایل بر گور جوان‌مرگ چوب‌باز به گوش می‌رسد. دیگر نه از چک‌چک چوب چوگان و صدای سُم اسبان و هی‌هی سواران خبری هست و نه از چغ‌چغ آسیاب خلیل‌خان که از برف آب‌های اشترانکوه می‌چرخید. نه سفره‌ای برای شاه‌عباس گسترانده و نه استقبالی از سپاه مغرور نادرشاه می‌شود و خلیل‌خانی که روزگاری اعتنایی به بوی عنبر نمی‌کرد، اکنون میدان چوگانش محلی برای میخ گاوهاست. گویی که در این دیار نه خانی آمده و نه خانی رفته است.

منابع

- آذرنوش. آذرتاش (۱۳۹۲). تاریخ چوگان در ایران و سرزمین‌های عربی. تهران: نشر ماهی.
- ابراهیم‌پور. محمدتقی (۱۳۵۳). چوگان. تهران: فدراسیون چوگان ایران.
- ابراهیمی‌نژاد. رضا (۱۳۹۵). گوی و چوگان در گستره تاریخ، فرهنگ و هنر ایران. تهران: کتابسرا.
- استرآبادی. محمد مهدی (۱۳۸۴). تاریخ جهانگشای نادری. تصحیح دکتر میترا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب.
- بابایی. جواد (۱۳۹۴). ورزش چوگان در عصر صفوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه لرستان.
- بهروز. ذبیح‌الله (۱۳۴۶). گوی و چوگان در ایران. بررسی‌های تاریخی. ۹ و ۱۰. تهران: ترکمان. اسکندر بیگ (۱۳۴۴). عالم آرای عباسی. جلد اول. تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۹۰). تاریخ عالم آرای عباسی. جلد دوم. به کوشش فرید مرادی. تهران: نگار.
- جزایری، سید عبدالله بن نورالدین بن سید نعمت‌الله (۱۳۸۶). تذکره شوستر. تهران: مؤسسه فرهنگی-هنری آداب.
- حسن‌پور. عطا و میرزایی. رضا (۱۳۹۸). گنجینه آب لرستان. تهران: هم‌پا.
- حسینقلی. خسروبن و بختیاری. سردار ظفر (۱۳۶۲). یادداشت‌ها و خاطرات سردار ظفر بختیاری. تهران: انتشارات فرهنگسرا.
- حسینی منشی، محمد میرک بن مسعود (۱۳۸۵). ریاض الفردوس خانی. به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- دبیرسایاقی. سید محمد (۱۳۸۱). سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن. قزوین: میراث فرهنگی قزوین.
- دلاواله. پیتر (۱۳۴۸). سفرنامه پیتر دلاواله. شعاع‌الدین شفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ذلقی. علی (۱۳۹۸). سنگ‌نوشته بُنه‌وار: سندی از سران بختیاری در دوره صفویه، آفرین‌نامه، مقاله‌های باستان‌شناسی در نکوداشت استاد مهدی رهبر. به کوشش یوسف مرادی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- روحی. حمیدرضا. ریاحیان گهرتی. رضا. و جمیل کرمانی. علی (۱۳۹۹). ردپای چوگان در مجموعه گنجعلی خان کرمان. مجموعه مقالات همایش گنج سلطان، آثار استاد سلطان محمد معمار یزدی. به کوشش دکتر مهدی مکی‌نژاد. تهران: فرهنگستان هنر.
- سردار اسعد. علیقلی خان (۱۳۹۰). تاریخ بختیاری: خلاصه الاعصار فی تاریخ البختیار. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.

- شاردن. ژان (۱۳۳۶). *سیاحتنامه شاردن*. جلد سوم. محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.
- عکاشه، اسکندرخان (ضیغم‌الدوله بختیاری) (۱۳۶۵). *تاریخ ایل بختیاری*. تهران: فرهنگسرای تهران.
- فرزین. علیرضا (۱۳۸۴). *گورنگاره‌های لرستان*. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم‌شناسی.
- مشعشعی. سید علی بن عبدالله (۱۳۹۶). *رحله المکیه*. ترجمه و اضافات: نورالدین محمد بن نعمت‌الله جزایری. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- نصیری. محمدابراهیم بن زین‌العابدین (۱۳۷۳). *دستور شهریاران*. به کوشش محمدنادر نصیری مقدم. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- والی‌زاده معجزی. محمدرضا (۱۳۸۹). *نام‌آوران لرستان*. تهران: حروفیه.
- وحید قزوینی. میرزاحمدطاهر (۱۳۷۳). *تاریخ جهان آرای عباسی*. به تصحیح سید سعید میر محمد صادق. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هیودی. ملاشنبه (۱۳۲۰). *مجموعه اشعار ملا شنبه هیودی شاعر بختیاری*. منتشر نشده.



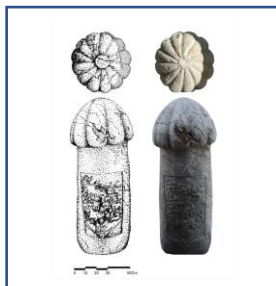
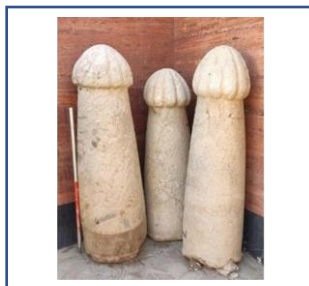
تصویر (۱): موقعیت قرارگیری میل سنگی دروازه چوگان در کنار قبر-دید از غرب



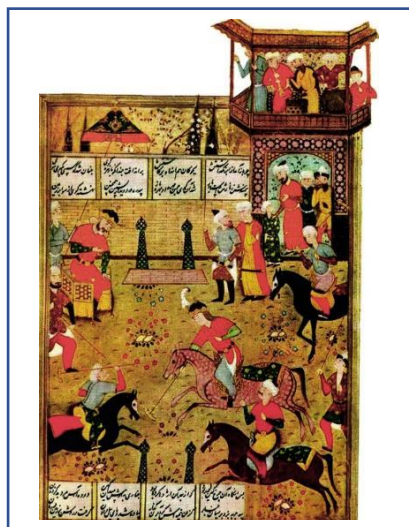
تصویر (۲): میل سنگی شکسته شده و نبش قبر توسط سودجویان آثار تاریخی



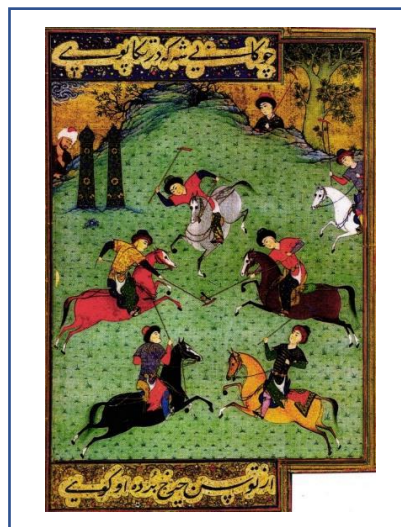
تصاویر شماره (۳-۶): باقی‌مانده سنگ‌های عمارت خلیل‌آباد که به قبرستان منتقل شده‌اند



تصاویر (۷-۱۲): نماهای مختلف از سنگ‌نشته سنگ میل دروازه چوگان خلیل‌آباد و سایر میل‌های میدان



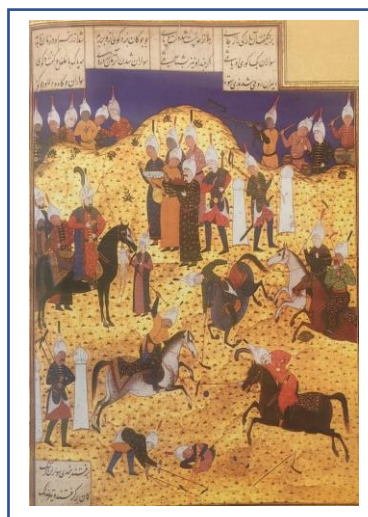
تصویر (۱۴): چوگان بازی سیاوش، شاهنامه فردوسی، قرن ۱۶م.



تصویر (۱۳): مثنوی گوی و چوگان (حالنامه) عارفی، ۹۰۲هـ.



تصویر (۱۶): میل دروازه چوگان میدان نقش جهان اصفهان



تصویر (۱۵): شاهنامه تهماسبی، برگ ۴۰۳ موزه هنرهای معاصر تهران